

نوشته : رودريك كيوا (۱)
ترجمه : پرويندخت جنابزاده

مقاله‌ای در مورد کتابهای کمیاب

بسیاری از کتابداران در مدت خدمت خود، در کتابخانه‌های مختلف با مراجعینی مواجه گردیده‌اند که کتاب بزرگی را در لفافی پیچیده‌اند و برای آن از نظر قدمت چاپ، عتیقه بودن و یا ارزش مادی بهائی افسانه‌ای قائل شده‌اند و آنرا جزء میراث خانوادگی خود شمرده‌اند. ولی پس از يك بررسی محرمانه، که توسط کتابدار از کتاب صورت میگیرد، آشکار می‌گردد که کتاب موجود کتاب مقدس است (Bible) با صفحاتی نامنظم و در جلد فرسوده‌ای از چرم کهنه که به قرن نوزدهم تعلق دارد. مسلماً این کتاب، کتاب نادری نیست که بتواند در سالنهای حراج پولی به کیسه خانواده صاحب کتاب واریز نماید. در چنین مواردی کتابدار وظیفه بسیار سنگینی بعهدہ دارد زیرا باید مراجعه کننده ناباور را قانع نماید که نظر انجمن کتاب‌شناسان و احساس عاطفی که خانواده نسبت به این کتاب دارد بینهایت ارزشمندتر از ارزش ذاتی و تجاری کتاب است.

نظریه و تصویری که توده مردم در مورد کتابهای نایاب دارند، و اکثریت ما هم از این قاعده مستثنی نیستیم، این است که ترجیح می‌دهیم يك جلد کتاب نفیس و گرانبها نظیر کتاب‌شناسی که احتمالاً شامل ۴۲ خط از

(Bible) است، یا اولین صفحه کتاب و یا یادداشت شکسپیر، یا کتاب Helmscott چوسر در محوطه دانشگاه، محبوس و محفوظ باشد تا این که در قفسه‌های کتابخانه‌های ما نگهداری شود. به همین دلیل بسیاری از کتابداران ترجیح می‌دهند که از بکار بردن واژه کتاب کمیاب اجتناب نموده و این نوع کتابها را که تحت نظارت و در حیطه مسئولیت آنان قرار دارد مجموعه خاصی بنامند.

البته تا جایی که تشخیص دهیم که با چه نوع از انواع مواد کتابخانه سروکار داریم، این مسأله که چه واژه‌ای را باید بکار ببریم زیاد حائز اهمیت نیست (این مواد نبایستی منحصراً شامل کتاب باشد) زیرا مجموعه کتابخانه را مواد مختلفی تشکیل می‌دهد که روشهای سفارش و خرید، مراحل فن، ذخیره، بازیابی و بهره‌برداری از آنها با روش‌هایی که در مورد کتاب اعمال می‌شود تفاوت دارد.

کتابی که کمیاب یا نادر نام گرفته حتماً نبایستی قدیمی باشد و یا ارزش ذاتی و تجاری داشته باشد. بعضی اوقات ممکن است يك کتاب منحصر بفرد از مجموعه‌ای جدا شده باشد که در آن زمان اهمیت چندانی نداشته است ولی به هر حال ممکن است که يك سند و یا يك مدرک باشد. وظیفه کتابدار در این گونه موارد ایفای نقشی است که کتابداران قدیمی بعنوان نگهبان کتاب در کتابخانه انجام می‌دادند، و باید بخاطر بسپارد که گرچه ممکن است این کتاب در حال حاضر متقاضی نداشته باشد ولی امکان دارد که در آینده مورد نیاز واقع گردد.

در این گفتار اصطلاح (کتابهای کمیاب) یا (مجموعه اختصاصی) به کتابهایی اطلاق می‌شود که قدیمی، کمیاب و با ارزش باشند و در مورد کتابهای معاصر و ارزان که به تعداد زیاد چاپ می‌شوند صادق نیست. معنی و مفهوم مجموعه اختصاصی در کتابخانه‌های مختلف متفاوت است، بعنوان مثال در يك مؤسسه آموزشی ممکن است تعداد زیادی از این مجموعه وجود داشته باشد که نیازمند کنترل و نگاهداری خاص باشد. مجموعه‌ای

از تاریخ محلی یکی از این مجموعه‌ها می‌باشد که تقریباً در همه جا یافت می‌شود. دانشکده ادبیات ممکن است نمونه‌هایی از کتابهای درسی، شامل کتابهای قدیمی مخصوص کودکان، را جمع‌آوری کرده باشد که خود جزئی از مجموعه کتابخانه را تشکیل می‌دهد. مدرسه هنرهای زیبا، که دارای واحدهای درسی در مورد گرافیک و نقاشی است، احتمالاً در سالهای متعددی مجموعه‌ای از نمونه‌های زیبای نقاشی خواهد داشت که هر یک نیاز به جای خاص و نحوه نگاهداری مخصوص دارد که با کتابهای معمولی بکلی متفاوت است. در دانشگاهها مجموعه‌های خاصی وجود دارد که جوابگوی نیاز محققان، کارمندان و فارغ‌التحصیلانی از دانشگاهها می‌باشد که تحقیقاتی را در سطحی بالاتر از دروس دانشگاهی انجام می‌دهند.

در بسیاری از موارد ضرورت ایجاب می‌نماید که کتابی از قفسه باز کتابخانه (Open Shelf) به علت آنکه به توجه و نگاهداری خاص نیاز دارد و یا از نقطه نظر ادبی ارزش دارد و کتابی منحصر بفرد است به قسمت کتابهای کمیاب منتقل گردد.

کتابخانه‌های قدیمی، که مدت زیادی از تأسیس آنها گذشته است، در مجموعه خود معمولاً دارای تعداد زیادی از این نوع کتابها هستند که بایستی به قسمت کتابهای کمیاب منتقل شوند در حالیکه در بدو تأسیس. قانون مدونی در مورد سفارش، خرید و گردآوری کتابهای کمیاب نداشته‌اند ولی به تدریج و با گذشت زمان در میان کتابهایی که در دسترس عموم قرار داشته است، کتابهایی از قفسه باز کتابخانه خارج و اجباراً می‌بایست در کنار کتابهای کمیاب قرار می‌گرفت.

کتابخانه‌هایی که اختصاص به انجمن‌های ادبی و تخصصی دارند، و در قرن نوزدهم تأسیس گردیده‌اند، در بدو تأسیس برای مجموعه سازی کتابخانه‌های خود مقادیر زیادی کتاب و رساله گردآوری می‌نمودند که اکثر این کتب و رسالات با گذشت زمان واجد ارزش تاریخی گردیده و چون به مرور زمان کاغذ و جلد آنها فرسوده می‌شد، ضرورت ایجاب

می‌نمود که به‌منظور توجه و نگاه‌داری به‌قسمت کتابهای کمیاب انتقال یابند. و در موارد دیگر نیز به‌علت ایجاد مقررات تازه که ناشی از شهرت نویسندگان و نقاشانی است که کتابها و آثارشان ارزشمند گردیده و در بازار کمیاب یا نایاب شده است، کتابخانه الزاماً ناگزیر شده است به‌منظور حفظ و نگاه‌داری این آثار آنها را از مجموعه عادی کتابخانه جدا نموده، در محل مخصوص، مورد توجه و نگهداری قرار دهد. کتابخانه‌های کوچک و کتابخانه‌هایی که خط مشی آنان بر این است که گهگاه کتابهای خود را و جین کنند غالباً به این نوع کتابها برمی‌خورند که ضرورتاً آنها را از قفسه باز کتابخانه به‌قسمت کتابهای نادر و کمیاب انتقال می‌دهند.

با کمال تأسف در مورد نحوه حفاظت کتابهای کمیاب و کتابهایی که جابجایی آنها شاید امکان‌پذیر نباشد اتهاماتی بگوش می‌رسد و گناہانی را به‌گردن افرادی می‌اندازند که به‌نام کتابدار و حافظ این کتابها انجام وظیفه می‌نمایند. به‌دیگر سخن امروز هم می‌توان با مقاله رادولف ج. آدام (Radolph G. Adams) که در سی سال قبل نوشته و کتابداران را بی‌توجه به کتاب نامیده هم عقیده بود که می‌گوید: «تنها من نگران بی‌توجهی، سرقت و نظایر آن که نسبت به کتاب، نقشه و تصاویر اعمال می‌شود نیستم. بلکه تمام افرادی که مسئولیت حفظ و نگاه‌داری این مجموعه را عهده‌دار می‌باشند از این نگرانی نمی‌توانند بی‌نصیب باشند. بدیهی است هر قدر کتابخانه بزرگتر و مجموعه‌اش متعددتر باشد این نگرانی افزایش بیشتری خواهد داشت». اکثر کتابداران مسئول کتابهای کمیاب، این خاطره را بطور زنده بیاد داشته و هرگز نخواهند توانست فراموش نمایند که (T. J. Wise) عالی مقام چگونه و به‌چه نحوی کتابی را که مربوط به درام نویسان قبل از تجدید حیات ادبی (Pre - Restoration) و از کپی‌های کتابخانه انگلستان بود در مقابل چشم آنان به سرقت برد.

منظم‌ترین کتابخانه‌ها حتی آنهایی که تمام احتیاطات لازم را انجام و پیش‌بینی‌های ضروری را بعمل می‌آورند باز هم کم و بیش با این مشکلات

مواجه هستند. به استثنای کتابدارانی که احتیاطات لازم را در مورد حفظ کتاب نمی‌نمایند، این سرقتها دلیل بی‌کفایتی حرفه‌ای نخواهد بود. ولی پخش و پراکنده نمودن و توزیع غیرقانونی مواد کتابخانه توسط افرادی که احتمالاً متصدی و حافظ آنان هستند، یا اخبار روزنامه‌ها در مورد حراج و فروش کتابهایی که در انبار کتابخانه‌ها قرار دارند به قیمت نازل به کتابفروشان که کتابهای قدیمی را خریداری می‌نمایند (فروش کتاب به مبلغ یک بیستم قیمت واقعی آن)، یا این رویداد که اخیراً یک کتابخانه عمومی یک مجموعه از کتابهای با ارزش خود را که جلدهای اصلی آنها کهنه شده بود جهت تجدید و تعویض جلد به صحافی ارسال داشته است نمایانگر بی‌توجهی به ارزش کتابهای قدیمی است زیرا تمام ارزش آنها را قدمت جلد، کاغذ و مطالب آن تشکیل می‌دهد.

در اواخر قرن نوزدهم در کتابخانه‌های دانشگاهی و عمومی تحرکی ایجاد شد که هدف اصلی آن بهره‌برداری بیشتر از کتابخانه بود. برای نیل به این هدف سیستم قفسه باز بوجود آمد و از کتابداران متخصص برای راهنمایی و اطلاع رسانی و نحوه استفاده از مواد کتابخانه استفاده گردید و این روش تا حد زیادی انتقادات موجود در مورد سرویس و خدمات کتابخانه‌ها را کاهش داد. بدیهی است هم‌اکنون کتابخانه‌هایی وجود دارند که مجموعه آنها را موادی تشکیل می‌دهد که الزاماً بایستی به روش قفسه‌های بسته بکار خود ادامه دهند و مواد کتابخانه بایستی آزادانه در دسترس عموم قرار گیرد ولی این بدان معنی نیست که وظیفه حرفه‌ای و تخصصی کتابداری و یا فلسفه خدماتی که این گروه برعهده دارند مختلف است.

در اوایل قرن حاضر کتابدارانی که مسئول کتابهای نادر و کمیاب بودند شاید مرتبه و مقام خود را شامخ‌تر از آن می‌دانستند که در مورد کتابهای کمیاب به افراد خارج از کتابخانه توضیحی دهند و اصولاً علاقه‌ای نداشتند که ماهیت این نوع کتابها را برای مراجعه‌کنندگان تشریح نمایند و علت قرار ندادن آنها را در دسترس عموم، بیان کنند و یا حداقل

نوع مسئولیت و وظیفه خود را به افرادی که آموزش کتابداری می‌دهند، و کتابهای کمیاب هم جزئی از دروس کتابداری است، گوشزد نمایند.

برای انتخاب کتابدار در مورد کتابهای کمیاب، گردآورندگان این نوع مجموعه‌ها سعی بر آن دارند که کتابدار مورد نظر خود را از افرادی انتخاب نمایند که علاقمند به ادبیات و آثار باستانی بوده و در نگاهداری این نوع کتب از روش کتابداری سنتی پیروی نمایند و به‌دیگر سخن از انتخاب کتابداران متخصص پرهیز کنند.

در فاصله جنگ جهانی اول و دوم، این کتابداران، اعم از زن و یا مرد با حفظ روش سنتی سعی نموده‌اند که سطح اطلاعات خود را در مورد کتابداری جدید توسعه دهند و با قرار گرفتن بین این حرفه کتابداری و حرفه تخصصی سهم کوچکی را از هر یک از این دو حرفه برخوردار شوند. گاهی هم بعنوان کتابدار از نقائص و کمبودها آزادانه انتقاد می‌نمایند و تأکید زیاد بر کمیت خدمات بدون توجه به کیفیت دارند و با ایجاد کمیته‌ها و کنفرانس‌ها کتابخانه‌ها را بصورت یک نهاد تشریفاتی درمی‌آورند.

مدیران کتابخانه‌های آموزشی هنوز هم گاهی اوقات آگهی می‌نمایند که برای کتابخانه خود به یک استاد نیاز دارند نه یک کتابدار حرفه‌ای و متخصص.

در مورد مجموعه کتابهای نادر و کمیاب حداقل بعضی از کارمندان دولت علاوه بر تخصص در رشته‌های دیگر، تخصص کتابداری را هم دارا هستند. کتابداران مسئول کتابهای کمیاب ممکن است هنوز هم اجلاس با انجمن‌های کتاب‌شناسی را برنشتن در جلسات انجمن کتابداری رجحان دهند. دانش کتابداری در مورد کتابهای کمیاب گرچه هنوز در آموزش کتابداری جای نیافته است ولی باید حتماً آموزش در مورد مجموعه‌های خاص در مدارس کتابداری مورد توجه قرار گیرد.

در سالهای اخیر آموزش کتابداران حرفه‌ای و متخصص در سطح بسیار بالایی انجام می‌گیرد و افرادی که در کتابخانه‌های تحقیقاتی بکار اشتغال دارند وجه اشتراکی بین خدمات خود و کتابخانه‌های دیگر پیدا

خواهند نمود که این پدیده در پانزده سال گذشته بهیچ عنوان وجود نداشته است. گرچه فاصله بین رشته‌های کتابداری از بین رفته ولی عقاید و نظریات تازه در مورد کتابداری و نقش کتابدار در جامعه اختلافاتی را ایجاد کرده است. کاربرد تئوری جدید درباره مدیریت در اداره کتابخانه، افزایش وسایل مکانیکی و استفاده از حافظه کامپیوتر برای ذخیره و اطلاع‌رسانی، افزایش انتشارات و بالاتر از همه مشکلات تورم سبب گردیده که توجه خاصی که می‌بایست در مورد کتابهای کمیاب اعمال شود الزاماً محدود گردد و یا اینکه غالباً به دست فراموشی سپرده شود.

گرچه مطالعات باارزشی در مورد استفاده از مطالبی که در مجموعه کتابهای کمیاب وجود دارد توسط محققین صورت می‌گیرد ولی نشریات متعددی که در مورد این تحقیقات منتشر می‌شود کمتر در مورد تئوری مدیریت اعمال می‌گردد. دلیل ما در این خصوص نتیجه مطالعاتی است که در سال ۱۹۸۰ در مجلات کتاب‌شناسی به چاپ رسیده زیرا این مطالب گرچه از نظر ادبی کهنه و قدیمی بوده و مربوط به مطالب موجود در مجموعه کتابهای کمیابی است که از قرن پانزدهم تا کنون به چاپ رسیده، معذالک مورد توجه و استقبال مردم قرار گرفته است.

کتابهایی که در مجموعه کتابهای کمیاب قرار می‌گیرند، طبعاً بایستی در میان موادی قرار گیرند که کمتر مورد استفاده کتابخانه است و اگر از زاویه نگهداری و حفاظت به این نوع مجموعه نظر کنیم خواهیم دید که توضیح یاد شده گاه‌لا منطقی است. معذراً در زمانی که هزینه کتابخانه‌ای بالا می‌رود، و درآمد آن متناسب با هزینه افزایش نمی‌یابد، یا اینکه برتری پابرجای یک کتابخانه و شبکه ارتباطی آن استوار می‌ماند خطر فرسوده شدن این نوع مواد، که بایستی در جای مخصوص قرار گرفته و کمتر مورد استفاده قرار گیرد، وجود دارد.

در هر صورت، گرچه امروزه کتابخانه‌ها علاقه و تأکید زیادی برای توسعه بخش کتابهای کمیاب ابراز نمی‌دارند ولی خطر واقعی در خارج از

کتابخانه است. اگر ارزش چنین مجموعه‌هایی شناخته نشود و توسط دولت
و اجتماع حمایت نگردد در این مورد آینده تیره‌ای را در مقابل خواهیم
داشت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی